

## مرحله نبرد و مرحله گذار به دموکراسی

بخش اول

### حسن مساوات

ما به هر نحوی که عمل کنیم یا نکنیم این رژیم اهریمنی نابود خواهد شد و از میان می‌رود. تفاوت در مدت سرنگونی و میزان تخریبی است که این رژیم بقول خودشان از روز الست مأموریت یافته اند که سرزمین مارا ویران کنند و بهای اضافی است که پرداخت خواهد شد بخصوص میزان خون های بنا حقی که زالوهای اسلامی خواهند ریخت.

حتی اگر بفرض محال ما ساکت در خانه های خود بنشینیم و هیچ کاری بر علیه این سوگند خوردگان علیه ایران و ایرانی نکنیم باز هم همین اوباشی که امروز بدنبال یک زنی (فائزه هاشمی: هر چقدر خود و پدرش گناهکار باشند) در خیابان براه می‌افتند و آن لات های گردن کلفت آن زن را فاحشه خطاب کنند، لاجرم روزی بر سر تقسیم منافع با همدیگروبا رهبرشان درگیر خواهند شد و سید علی خان را با صدها تن از یارانش برکنار خواهند نمود.

اما در مقابل چنین دشمنان رذل سوگند خورده بر علیه ایران عزیز و مصمم برای تخریب سرزمین مقدس ایران نمیتوان و نباید بیکار نشست و در انتظار سقوط محتمم رژیم تنها دل خوش کرد که این بنای پوشالی خود خواهد ریخت زیرا موریانه های داخل بنا از روی بیخردی و نادانی خود درحال نابودی آن هستند زیرا آنها به همراه نظام بی پایه خود کشور را نیز بنابودی میکشاند. سلحشوران سربلند و جوانان شیردل ما باید به تلاش مثبت خود ادامه دهند و کاری را که در ۸۸ شروع کرده اند بپایان برسانند.

درچنین نبرد سختی که درپیش است ما باید علاوه برنابودی حکومت آخوندهای اهریمن صفت به جلوگیری ازتخریب بیشتر سرزمین و یکپارچگی آن و سازندگی و ترمیم خسارات در بعداز پیروزی هم ببندیشیم.

آنطور که گفته شد سقوط رژیم که هدف اولیه و غیرقابل بحث همه ماست غیر قابل اجتناب و غیر قابل جلوگیری است و خط و نشان کشیدن عده ای از چاقوکشانی که خمینی جانی را بر اریکه قدرت نشاندهند و خود به چپاول کشور با تجارت های بی قاعده و دزدیهای بی حساب پرداختند و یا با بشانه کشیدن جلبی هائی خود را سردار خواندند و عناوین نظامی که در کشورهای پیشرفته برای رسیدن به آن عناوین درسهای نظامی میخوانند و شجاعت های جنگی نشان میدهند و نقشه های موفقیت آمیز میکشند اینان در سایه فمه کشی در چاله میدان و مدیحه سرائی امام رازل و شکست در جنگ خانمان سوز با عراق و استفاده از جانفشانی های میهن پرستان ایران و بر باد دادن نتایج آن جانفشانی بدست آوردند و از چاله میدان به سرداری رسیدند و حالا خودشان ورهبر سفیه شان نام ژنرال را یدک میکشند.

### تفو برتو ای چرخ گردون تفو

این سقوط بی مایگان جنایتکار که حتمی است شرط لازم برای دموکراسی است ولی نه تنها کافی نیست که اگر میهن پرستان از هم اینک برای یافتن و درک صحیح از راه آینده، راهی خردمندانه و مورد قبول و اقبال همگان اندیشه و تلاش و توافق نکنند خطرات دیگری که کمتر از خطرات فعلی نیست در مقابل است.

کار ما نه از فردای سقوط اهریمنان که از روز های قبل از سقوط شروع میشود، بهتر است گفته شود کار ما باید سالها قبل شروع شده بود:

ما بدنبال راهی هستیم که یک جامعه رنگارنگ و دارای فرهنگ های متفاوت و گهگاه خواسته های مختلف هستند را با هم هماهنگ نماییم بصورتیکه برابری و آزادی برای تمام افراد و قبائل بوجود آید و فرهنگ ها و سنن همه محترم شمرده شود و در آن یگان جامعه احساس اهمیت و ارزش مساوی و آزادی کنند و بتوانند و مجاز باشند و تشویق شوند تا نظرات و خواسته ها و ابداعات و اختراعات خود را تقدیم جامعه ای کنند که عضوی از آن و مالکی از آن بشمار می‌آیند.

دودوره تحصیلات یک روز در کلاس درس مرحوم مهندس ریاضی مبحثی مطرح بود: یکی از شاگردان پرسید: آقا این مبحث همان است که اینشتین بر مبنای آن اصل نسبیت خود را اثبات کرد؟

آقای مهندس ریاضی جواب داد:

تو برو آهنگری ات را بکن! نسبیت اینشتین بتو چه کار؟

این جواب نبود بلکه تحقیر و سرکوب بود. این شخص باید جواب همراه با استدلال و تشویق می‌گرفت و نه تحقیر میشد. این روش سرکوب استعدادها همواره در جامعه ما بوده و باید ریشه کن شود.

امروز ما باید گذشته ملی خودمان را بشناسیم، تاریخ را و حقیقت تاریخ را بررسی کنیم و بدون تعصب نکات قدرت و ضعف خود را شناسایی نماییم. ما باید بدانیم چرا عده ای از ما برای کشتن بزرگ مردی مانند میرزا تقی خان امیر کبیر و محروم کردن کشور از وجود چون آن بزرگ مردی آنقدر عجله داشتیم که حکم شاه منفور قاجار را با چنان سرعتی به کاشان برسانیم که حکم لغو آن خیانت بدستمان نرسد و امیرکبیر این سرمایه غیر قابل جبران حتماً برود؟

ما چرا فروشنده بودیم و هر چیزمان را میفروختیم. مگر میرزا تقی خان تنها یک مورد از خودفروشی ما بوده؟ مگر قبل از او با بزرگ میرزا تقی خان دیگر (فراهانی) چه کردیم؟ نگوئیم استعمار انگلیس بود! البته استعمار بود ام استعمار با ما هرچه کرد بدست خودمان کرد.

در مقابل ما میراث خوار سردارانی هستیم که بر دریا شلاق میزند که آرام بگیرد و این سرداران همانانی هستند که در دوره آنان قدرتهای جهان جرئت حمله بما را نداشتند و اسلاف کسانیکه امروز در شهر تهران نام خلیج فارس را نام جعلی میخوانند و رئیس جمهور ما خفقان گرفته و هیچ نمیگوید، را ما بزیر پای پیل افکنندیم بقول خاقانی در قصیده ایوان مدائن:

از اسب پیاده شو بر نطع زمین رخ نه  
زیر پی پیلش بین شه مات شده نعمان

چه درصدی از ما شناسنامه اصالت خود را از زبان فردوسی بزرگ خوانده و به معانی وسیع آن توجه کرده ایم؟ چند درصد از ما میداند رستم در شاهنامه چه چیز را نمایندگی میکند که میگوید

که گفتت برو دست رستم ببند  
نبندد مرا دست چرخ بلند

و این رستم که نمودار شهروند ایرانی است اینک اسیر دست یک ملای چلاق و بیعقل خونخوار شده و دست او را بسته است و ما یک روز برای رهائی از اسارت حماسه می‌آفرینیم و برای ادامه کار در فردای آن روز از آقای موسوی متعهد باسلام و نا راضی از سقوط حکومت دینی کسب تکلیف میکنیم.

مگر میشود نبرد را بصورت پله پله و هفته ای یک روز انجام داد و در آن عده ای از جوانان با ارزشمان از میان بروند و عده دیگری باسارت در آیند و در شکنجه خانه ها بدست بیشترین و کثیف ترین انسان نماهای بیفتند و ما هیچ کاری برای نجات آنان نکنیم و حتی شعار آزادی آنان را ندهیم و اطراف زندان اوین و رجائی شهر و امثال این نقاط منطقه ممنوعه بحساب نیاید و مسیر همان میدان فوزیه تا میدان شهید باشد. به دشمن قدر ندهیم و قدرت خود را آشکار کنیم و بعد خدا حافظ تا روزی دیگر که دشمن آن روز را میدانند.

مگر ملت مصر ۱۸ روز و شب متوالی نبرد نکرد و هیچ پیشنهادی نبود که بپذیرند و فقط گفتند مبارک باید برود. مگر لیبیائی ها در مقابل این سگ دیوانه و آدمکش ذلتی که با تانک و هواپیما بانان حمله کرد ارتش لیبی را از هم نپاشید و اینک بیشتر لیبی را بتصرف در نیاورده و دست از کار نمیکشد. ایا سرباز ایرانی و پاسدار ایرانی از مدافعان قذافی بی وطن تر و بیشر ترند و ایا ما در بین پاسبانان و سربازان کم کسانی هستند که از شر این جانیان به تنگ آمده و باغوش ملت باز خواهند گشت. آنها هم که باز نگردند شامل قهر ملت و نابود خواهند شد.

آیا ما هنوز در این اندیشه هستیم که این اهریمنان حاضر هستند که از خر شیطان پیاده شوند و بدانند که هر طبقه ایرا منزلتی است و آخوند طماع مفت خواره را راه به اداره کشور نیست و دست از این طعمه باد آورده بر نخواهد داشت.

آخوند قرآنتی در یک برنامه تلویزیونی گفت اگر آخوند سوار خری بشود پیاده نخواهد شد (ادبیات خود آخوندها) تا یا خر بمیرد یا آخوند. باید آخوند و آخوندیسم برای همیشه بمیرد و با مسالمت نخواهد مرد.

ای دین داران: دین رابطه شما با خدای شماست و آن خدائی که شما باوردارید همه جا هست و همه چیز را میداند احتیاج به آژانس معاملات ندارد که با او در تماس باشید. آخوندها کار را سخت کرده اند و گرنه ارتباط با چنان خدائی قادر و شنوا و حاضر در همه جا فقط با ارتباط قلب ممکن است. نگذارید آخوند های فریبکار از پاکی قلب شما استفاده و شمارا چپاول کنند.

ما باید با استفاده از خرد جمعی دشمن خود را که این رژیم اهریمنی نادان است ارزیابی کنیم و نقاط مثبت و منفی آنرا که باعث شده با اینهمه نادانی و رذالت در سرکار باقی بماند ارزیابی کنیم و چشم اسفندیار و یا پاشنه آشیل آنرا تشخیص داده و در مبارزه آنرا هدف بگیریم و ببینیم در این دوره اخیر مبارزات در کدام مرحله رژیم ضربه پذیر تر و در چه مواردی مقاوم تر بوده و این تحلیل را در مورد خودمان نیز بکار ببریم.

قسمت اول تحلیل را میتوانیم در محیط جمع انجام دهیم ولی تحلیل نقاط ضعف و قدرت خود را باید در تجمعات خودمآنی کوچک و افراد مورد اعتماد انجام دهیم و نتایج آنرا نباید عمومی کنیم. تشکیل گروههای کوچک و مخفی چه در داخل و چه در خارج که بتوان بحث هائی این چنینی را در آن انجام داد مفید است و البته نفوذ افراد در این گروهها باید همواره مد نظر باشد و اما ترس از آن نباید مانع کار گردد و درایت در یارگیری بسیار لازم است.

برای خارج نشینان مسئله بزرگ راه های ارتباطی و تبلیغاتی ارزان قیمت است و حل دو مسئله: اول پراکندگی یاران از نظر جغرافیائی و زمانی و دوم هزینه های ارتباط. خوشبختانه در این مورد ارتباطات مدرن و پیشرفت آن مانند ویدئو کنفرانس و ارتباطات ارزان و یا بدون هزینه صوتی تصویری این هزینه ارتباطی را به حد فوق العاده پائین آورده و آنرا بسمت صفر میل داده است و امکان ارتباطات چند جانبه بین یاران را ممکن نموده.

یکی از مشکلات که متأسفانه اجتماع ما ایرانیان را در گذشته محال و در حال حاضر مشکل کرده است ترس از تشکیلات امنیتی است توسط گروهی از هموطنان. این ترس ها که گاهی کاملاً بیجاست یکی از مشکلاتی است که ایجاد تشکیلات را مانع میشود. مثلاً اینکه ای میل مراکسی بداند در بعضی ایجاد نگرانی میکند. از دانستن ای میل جز اینکه مأموران اطلاعاتی پیامهای محتوی فحش و ناسزا و تهدید ارسال کنند چه کاری ساخته است. ضمن اینکه انسان میتواند ای میل های متعدد داشته باشد و بعلاوه با برنامه های موجود مانع رسیدن ای میل ها از منابع مشکوک و حاوی کلمات ناپسند بشود و پس از مدتی میتواند ای میل هارا بخصوص ای میل های قدری خصوصی تر را پاک کرده و اثری از تاریخچه آن باقی نگذارد. و ای میل جدید جایگزین نماید.

اصولاً شرط شرکت در مبارزه بر علیه اهریمنان قبول درجه ای از خطر است. جوانان دلیر ما در داخل کشور با سینه های سپر شده در مقابل گلوله اهریمن خامنه ای ظاهر میشوند و مرگ بر خامنه ای را فریاد میکنند و مرگ و اسارت و شکنجه را برای آزادی کشور و ملت ایران با جان میخرند و در این چنین موقعیتی اگر ما در خارج از کشور از اینکه ای میلی با نام مستعار در دست عوامل اهریمنان داشته باشیم بترسیم بی انصافی و نهایت بزدلی است.

مشکل دیگر آماده نبودن ما برای هزینه کردن است. مبارزه هزینه دارد و این یک تجارت نیست که ما در پایان سال تراز نامه و حساب سود و زیان آنرا با ارقام ریالی و یا دلاری و یا هزار دیگر تهیه کنیم و ببینیم سود مالی داشته یانه. کشور ما در دست اهریمنان است و دستهای آلوده بخون آنان خزائن ما را بیغما برده اند و در هر راه نادرستی مثل پرورش تروریست ها و دفاع از کسانی که خود با خودشان دشمنی میکنند و یا حکومت های قدره کش مانند ونزولا ثروت های ملت ما را هزینه کرده اند الا در راه اصلاح امور ملت و جلوگیری از تخریب کشور و منابع طبیعی و سرمایه های ملی ایران.

گروهی از ما در کشورهای خارج در سایه کار و کوشش و قابلیت های خود و یا راههای دیگر اندوخته های بزرگ درست کرده ایم ولی حاضر نیستیم برای نجات هموطنان خود و ملت خود از دست اهریمنان بخشی از آنرا هزینه کنیم و در راهی چنین مقدس از بخش کوچکی از اندوخته ها و درآمدهای خود بگذریم و برای کمک باجرای برنامه های آنها که وقت و انرژی و اندوخته های علمی خود را مصروف مبارزه میکنند وسایل لازم را در اختیارشان بگذاریم

این رژیم را چه کسانی سر پا نگهداشته اند؟ آخوند ها؟ سپاه پاسداران؟ بازاریان؟ کراواتی های گمنام که در خارج کراوات میزنند و زود بندهای سیاسی تجاری را جوش میدهند و در بازگشت بایران برای ارائه گزارش و گرفتن دستورات جدید کراوات را باز

میکنند و چند روزی و حداکثر یک هفته ریششان را نمیتراشند و ساعت رولکسشان را باز کرده و انگشتر عقیق بدست میکنند و بتهران میآیند و در پایون دولت پاسپورتشان مهر میخورد و ۲۰ دقیقه پس از فرود با اسکورت از فرودگاه خارج میشوند؟ گروهانی نظیر مایاک و لابی کنندگان جمهوری اسلامی؟ یا گروهی مترادف آنان.

ما این رژیم را متشکل از گروهی نادان و غیر مدیر و بدون تدبیر میدانیم که در پیش قراول آن دو اهریمن نادان بنامهای خامنه ای و احمدی نژاد که آثار دنانت همراه با نادانی از چهره آنان هویداست در صف اول و گروهی فسیل نادان و نمونه جمود فکری بنام مراجع عظام و دسته ای اوباش به منصب رسیده مانند برادران لاری جانی و حداد عادل بهمراهی آخوندهانی چون جنتی در رتبه های بالا آنرا متجلی میکنند.

اینها خود میدانند که بقایشان در مطرح کردن خود بعنوان نمایندگان خداوند در روی زمین است و برای اینکار هر نوع فریب و حقه و شارلاتان بازی که در حجره های فیضیه و از کتاب های نوشته شده توسط رقبای ماکیاول علیه الرحمه در طول قرنهای حد اکثر بهره وری را انجام میدهند. سناریونمایشنامه کمدی شیعه را پیشینیان همینها نوشته و اینان آنرا تکمیل کرده و یا بخوبی آموخته اند و بصورت مستمر و بی وقفه به مغز شونی خوش دلان بی دانش و فریب خوردگان خویش اشتغال دارند و راه بقای خود را در بیخبر نگهداشتن و ترساندن این خوش باوران مقلد و یاکمک قداره بندان خود فروخته میدانند.

اما خوش بختانه با دیگر با هر نوع شامورتی بازی از قبیل انتخابات نمایشی و تقلبی حنایشان را دیگر چندان رنگی نیست و حتی ساده دلان خوش قلب فریب خورده نیز بتدریج حقیقت را درک میکنند و دوران شان حکومت شان با استفاده از فریب بپایان رسیده و بنابراین: باین نتیجه رسیده اند که احتیاج به یک نیروی مسلح دارند که از آنان دفاع کند و با توسل به کشتار آنها را نگهداری کنند.

اما نگهداری یک نیروی مسلح بهمان اندازه که میتواند تضمین کننده قدرت آنها باشد میتواند داعیه دار جدیدی در مقابل خودشان بشمار آید. پس باید آن نیروی نظامی نگهدارنده منافعی بوجود این اهریمنان و سران اول وابسته شود و بنابراین بجای آنکه فساد در آن بطور غیر رسمی تسری یابد، باید فساد را رسمیت داد و قاچاق مواد مخدر و واردات و صادرات غیر رسمی و بخش بزرگی از تجارت خارجی و صنایع و بنیادهای اقتصادی را بآنان واگذار کرد.

این تمهید سازمان سپاه پاسداران را دارای تضاد اصولی و خطرناکی برای اهریمنان مینماید که ما باید بتوانیم بموقع از آن در مبارزاتمان سود بگیریم. زیرا بخشی از نیروهای سپاه بخصوص در رده های پائین بر مبنای باور های اسلامی باین سازمان پیوسته اند و هنوز هستند افرادی که از روی باورهای خود با انحراف رژیم مخالف اند و اسلام را یک مکتب درست میدانند. و این عده وقتی متوجه انحرافات غیر اخلاقی و فساد های مالی بشوند بر علیه آن قیام خواهند کرد.

نگاهی به بلاگرهایی که از بعضی از مبارزان سابق جنگ ایران و عراق دیده میشود بخوبی این مسئله را نشان میدهد که مبارزین سابق چگونه از وضعیت سوء استفاده رژیم از اعتقادات اسلامی جوانان مؤمن نشان دهنده خشم و آمادگی انتقام از این سوء استفاده هاست.

البته ملیون ایرانی را نمیتواند این امر مایه دلخوشی باشد زیرا بهر حال این گروه ها افراطیونی هستند با افکار ارتجاعی که اگر چه برای رژیم خطرناکند برای کشور نیز مفید نخواهند بود.

مبارزین باید بدانند و قبول کنند که راه پیروزی ملت در دین زدائی و مبارزه با باورهای افراد نیست و سکولاریسم بمعنی مبارزه با دین نیست بلکه ما میخواهیم که دین بجایگاه اصلی خویش که خصوصیت قلبی باورمندان بآن است برگردد و هر کس در انتخاب و اجرای کارهای دینی خود آزاد باشد و از تحمیل عقاید دیندار به بیدین و بیدین به دین دار خبری نباشد.

خطر دیگری که هم برای کشور و هم برای رژیم وجود دارد جاه طلبی سران فاسد سپاه پاسداران است که بهر حال تمایل به گسترش دامنه قدرت و سرانجام بوجود آمدن یک ژنرال مشرف است که بخواهد دیکتاتوری نظامی را جایگزین دیکتاتوری آخوندی نماید. این احتمال موجب بهم خوردن معادلات و وضعیت جبهه ها میشود اما اگر حادث شود در مجموع بر خلاف نظر بسیاری در دراز مدت موجب یک حکومت ضعیف نظامی میگردد که قادر به نگهداری از خود در وضعیت موجود بین المللی و اصلاح اقتصاد در هم پاشیده ایران که حد اقل نیاز آنها برای ادامه حتی کوتاه مدت بر قدرت نخواهد بود.

دنیاله دارد.....

حسن مساوات (حجت)